

اعتدال و کارکرد آن در آموزه‌های علوی چکیده

اعتدال به معنی میانه‌روی کردن در امور و رعایت نمودن حدّ وسط می‌باشد، از مؤکدات مهم دین اسلام می‌باشد. برای پی‌بردن به جایگاه و کارکرد اعتدال با رجوع به فرمایشات امیرمؤمنان مشخص گردید که اعتدال از شاخصه‌های اصلی رسول الله و ائمه معصومین می‌باشد. اعتدال از ویژگی‌های متقین و بهترین یاری‌دهنده برای زندگی نیکو می‌باشد و هر کس از اعتدال روی برتابد ستم نموده است. برابر دانستن اصناف و گروه‌ها، توجه به منزلت و شایسته‌سالاری و احسان از گام‌های مهم و اساسی در اعتدال می‌باشد. کلیدواژه: اعتدال، اقتصاد، کارکرد اعتدال

1. مقدمه

دین اسلام که به عنوان آخرین دین الهی و والاترین تعلیمات می‌باشد و متضمن سعادت دنیوی و اخروی انسان شده است، در این رابطه دستوراتی دارد. بهترین و کامل‌ترین راه برای شناخت دستورات اسلام، مراجعه به فرمایشات و سیره امیرمؤمنان می‌باشد که در این نوشتار بر آن سعی شده است تا با بررسی معنای اعتدال در لغت و اصطلاح، سپس مراجعه به فرمایشات امیرمؤمنان مبنی بر اعتدال به نتایج و کارکرد آن در زندگی اجتماعی پی ببریم. به عبارتی در جستجوی پاسخ به سؤال «جایگاه و کارکرد اعتدال در آموزه‌های امیرمؤمنان چیست؟» است. با جستجو در مقالات، تحقیقاتی نظیر «پیوستگی عدالت و اعتدال در اخلاق سیاسی اسلامی با تاکید بر سیره‌ی علوی» سیدباقری؛ مختاریند، علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، بهار 1398، شماره 85؛ «اعتدال گرای سیاسی در پرتو اندیشه علوی» عامری، علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، پاییز 1394، شماره 71 نگاشته شده است و به مقوله کارکرد و گام‌های مؤثر اعتدال پرداخته‌اند.

2- اعتدال

از جمله مواردی که در زندگی اجتماعی، روابط بشری و ارتباطات فرهنگی انسان نقش اساسی دارد، اعتدال می‌باشد. مکاتب‌های گوناگون با توجه به بینش جهان‌بینی و اعتقادی خود تعریفی از اعتدال دارند و خود را پیشرو در رعایت اعتدال می‌دانند. از آن‌جا که زندگی انسان به دور از افراط و تفریط نبوده و نمی‌باشد و همیشه از این مقوله در زندگی خویش استفاده می‌کند، اولین نتیجه این رفتار جز زندگی پر از نفرت و بغض نخواهد داشت، در صورتی که با رعایت اعتدال این زندگی تغییر نموده و موجب لذت بردن از عمر و معاشرت می‌شود. برای بهتر فهمیدن اعتدال، ابتدا به بررسی آن در لغت پرداخته می‌شود:

1-2. اعتدال در لغت

اعتدال از عدل و در لغت به معنی میانه‌روی در امور (الفیومی، 1418؛ 1، 206) و رعایت نمودن حدّ وسط و میانه در بین دو حال می‌باشد، چه از لحاظ کیفیت و چگونگی و چه از لحاظ کمیت و مقدار. (ابن منظور، 1405، 11، 433؛ الفیروزآبادی، 1426؛ 1، 1030) و نیز توازن در مقدار، برابر بودن دلایل، برابری و یکسانی در کم و کیف و هم‌وزنی معنی شده است. (جُرّ، 1391؛ 1، 593)

2-2. اعتدال در آموزه‌های علوی

از مهم‌ترین شاخصه‌های اصلی حکومت امیرمؤمنان، رعایت اعتدال و میانه‌روی، دوری از افراط و تفریط بوده است. ایشان افراط و تفریط را گمراهی و حرکت در مسیر اعتدال را حق عنوان نموده و در خطبه خویش بدان اشاره فرمودند: «الْيَمِينُ وَالشِّمَالُ مَضَلَّةٌ وَ الطَّرِيقُ الْوُسْطَى هِيَ الْجَادَّةُ» (سیدرضی، 1414؛ 58) تفکر اعتدال و رعایت نمودن آن، تأثر گرفته از سیره رسول اکرم می‌باشد که امیرمؤمنان ایشان را بدین نحو توصیف نمودند: «سِيرَتُهُ الْقَصْدُ وَ سُنَّتُهُ الرَّشْدُ» (سیدرضی، 1414؛ 139) مقصود از «قصد» موجود در کلام امیرمؤمنان، به معنی استقامت در راه و در معیشت به دوری از اسراف و تبذیر می‌باشد (الفراهدی، 1410؛ 5، 55) و مترادف با اعتدال است (المصطفوی، 1368؛ 9، 269)

امیرمؤمنان در ضمن معرفی خویش، خود را تکیه‌گاه میانه که کندرو به آن پیوسته و تندرو به آن باز می‌گردد، توصیف نمودند: «تَحْنُ التُّمْرِقَةُ الْوُسْطَى بِهَا يَلْحَقُ التَّالِي وَ إِلَيْهَا يَرْجِعُ الْغَالِي» (سیدرضی، 1414؛ 488) در جای دیگر نیز بیان رفتار و منش خویش فرمودند: «طَرِيقُنَا الْقَصْدُ - راه و روش ما میانه‌روی است. (تمیمی آمدی، 1410؛ 353) بنابراین امیرمؤمنان و اهل بیت عصمت و طهارت، دارای اعتدال بوده‌اند و مردم تندرو و کندور می‌بایست به ایشان پیوندند.

امیرمؤمنان در رفتار خویش با دوست و دشمن، مؤافق و مخالف، غریبه و آشنا اعتدال را رعایت می‌نمودند که نمونه بارز آن را در شورش علیه عثمان مشاهده می‌نماییم. امیرمؤمنان خویش را میانه‌رو معرفی نموده‌اند که میانه روی، تبلور عدالت را در وجود ایشان به وجود آورده است. در فرمایشی فرمودند: «عَلَيْكَ بِالْقَصْدِ فَإِنَّهُ أَعْوَنُ شَيْءٍ عَلَى حُسْنِ الْعَيْشِ - میانه روی برگزین؛ همانا برای زندگی نیکو، بهترین یاری کننده است (تمیمی آمدی، 1410؛ 446)

در میان انتخاب کارگزاران و مسئولان و رفتار صادره از آنان، امیرمؤمنان نیز رعایت اعتدال را شرط اساسی می‌دانستند که در این مورد نظارت و مداقه ویژه‌ای داشتند. چنانچه در نامه خویش به عمرو بن سلیمه ارحبی مرقوم نموده واز شکایت به درشتی و سختی رفتار او صحبت نمودند و دستور به آمیختن درشتی و نرمی و رعایت اعتدال دادند. (سیدرضی، 1414؛ 376)

زمانی رفتار، برنامه، سیاست به هدف اخلاقی می‌رسد که اعتدال در آن رعایت شده باشد و از افراط و تفریط به دور باشد. امیرمؤمنان در این مورد فرموده است: «لَا تَرَى الْجَاهِلَ إِلَّا مُفْرِطًا أَوْ مُفَرِّطًا - نادان را جز افراط‌کار یا تفریط‌کار نبینی» (همان، 479) به کارگیری اعتدال است که فطرت و اخلاقیات انسان را شکوفا می‌نماید، چنان‌که ایشان در توصیف متقین فرمودند: «مَلَبَسُهُمُ الْإِقْتِصَادُ - پوشش آنها میانه‌روی است» (هلالی، 1405؛ 2، 849)

اعتدال در حوزه جامعه و اخلاق به این معناست که انسان و جامعه نه بیش از اندازه امید داشته باشد و به هر اقدامی دست بزند، و نه بیش از اندازه بیم و هراس داشته و از حرکتی باز بماند؛ همانگونه که امیرمؤمنان در این رابطه فرمودند: «خَيْرُ الْأَعْمَالِ اعْتِدَالُ الرَّجَاءِ وَ الْخَوْفِ - بهترین عمل‌ها برابری امید و ترس است» (لیثی واسطی، 1376؛ 240) حوزه اخلاقی جامعه اسلامی، حوزه اعتدال است که مردمان با اعتدال به سوی اخلاقیات سوق پیدا می‌کنند. مؤید این مطلب، اولین خطبه‌ای است که امیرمؤمنان پس از به

خلافت رسیدن خویش فرمودند: «الْيَمِينُ وَالشِّمَالُ مَصْلَةٌ وَ الطَّرِيقُ الْوُسْطَى هِيَ الْجَادَّةُ عَلَيَّهَا بَاقِيَ الْكِتَابِ وَ آثَارُ النُّبُوَّةِ وَ مِنْهَا مَنَقَدُ السُّنَّةِ وَ إِلَيْهَا مَصِيرُ الْعَاقِبَةِ- انحراف به راست و چپ سبب گمراهی و ضلالت است و راه میانه و مستقیم جاده وسیع الهی است که قرآن مجید- کتاب جاویدان الهی- و آثار نبوت بر آن قرار دارد و راه ورود به سنت پیامبر (ص) از همینجاست و پایان کار به آن منتهی می شود.» (خطبه 16)

امیرمؤمنان در فرمایشی در رابطه با اعتدال می فرماید: «مَنْ أَحَذَّ الْقَصَدَ حَمِدُوا إِلَيْهِ طَرِيقُهُ وَ بَشَّرُوهُ بِالنَّجَاةِ، وَ مَنْ أَحَذَّ يَمِينًا وَ شِمَالًا دَمُّوا إِلَيْهِ الطَّرِيقَ وَ حَذَّرُوهُ مِنَ الْهَلَكَةِ- هر کس راه حق را در پیش می گرفت طریقتش را می ستودند و او را به نجات، بشارت می دادند و آن کس که به چپ و راست منحرف شده بود طریقتش را نکوهش می کردند و از هلاکت بر حذر می داشتند.» (خطبه 222) پیاده نمودن این میانه روی در امور گوناگون، باعث ایجاد مقبولیت در جامعه و رضایت در خود می شود.

حوزه دیگر رعایت اعتدال در دوستی و محبت و دشمنی می باشد. بدین معنی که در ارتباط با دوست نه در محبت و علاقه افراط بیش از حد وجود داشته باشد و نه نسبت به ایشان بی تفاوت و مانند انسان های عادی و سایر افراد رفتار نمود. برای واضح تر شدن موضوع، اعتدال در دوستی و دشمنی بدین نحو است که در مدت رفاقت به دوست نایبست تمام رازها و اسرار را به او منتقل نمود، چه بسا روزی ممکن است این دوستی تبدیل به دشمنی گردد و این رفتار و اسرار موجب اختلاف و سوء استفاده گردد. در دشمنی نیز همین منوال می باشد، نباید در دشمنی کردن به حد اعلاء رسید که ممکن است روزی دوستی شکل گیرد که در این صورت وجهای برای بازگشت به رفاقت وجود نخواهد داشت. در این رابطه امیرمؤمنان فرمودند: «أَحِبِّ حَبِيبَكَ هَوْنًا مَا عَسَى أَنْ يَعْصِيَكَ يَوْمًا مَا وَ أَبْغِضْ بَغِيضَكَ هَوْنًا مَا عَسَى أَنْ يَكُونَ حَبِيبَكَ يَوْمًا مَا- دوستت را در حد اعتدال دوست بدار، مبدا روزی دشمنت شود. و با دشمنت چندان کینه موز، چه بسا روزی دوست تو گردد» (ابن شعبه حرانی، 1404 ه.ق، ص 202) هم چنین در اشعار منسوب به ایشان نیز آمده است: «وَ أَحِبِّ إِذَا أَحْبَبْتَ حُبًّا مُقَارِبًا* فَإِنَّكَ لَا تَذَرِي مَتَى أَنْتَ تَارِعٌ* وَ أَبْغِضْ إِذَا أَبْغَضْتَ بُغْضًا مُقَارِبًا* فَإِنَّكَ لَا تَذَرِي مَتَى أَنْتَ رَاجِعٌ» (میبی، 1411، ج 1، ص 253)

نتیجه اعتدال در امور اقتصادی، فردی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، دینی دوری از کثری، انحرافات و رسیدن به حق می باشد. امیرالمؤمنین درباره اعتدال در امور اقتصادی می فرماید: «كُنْ سَمَحًا وَ لَا تَكُنْ مُبَذِّرًا وَ كُنْ مُقَدِّرًا وَ لَا تَكُنْ مُقْتَرًا- سخاوتمند باش و در این راه اسراف مکن و در زندگی حساب گر باش و سخت گیر مباش» (حکمت 33) همچنین در فرمایش دیگری نیز فرمودند: «مَا عَالَ مَنِ اقْتَصَدَ - آن که میانه روی پیشه کرد تنگدست نشود» (حکمت 140)

در نامه خود به زیاد بن ابیه فرمودند: «قَدْ عَ الْإِسْرَافَ مُقْتَصِدًا- اسراف را کنار بگذار و میانه روی را پیشه کن» (نامه 21)

هنگامی که انسان و جامعه ای میانه روی و اعتدال را در همه امور پیاده نماید و در رعایت آن کوشا باشد، قطعاً تمامی امور درست و صحیح انجام می شود و به سر منزل مقصود می رسد. در عهدنامه مالک اشتر که نمونه بارز حکومت داری و جامعه آرمانی اخلاقی

است، سفارش خود را به اعتدال و دوری از افراط و تفریط فرمودند: «وَلْيَكُنْ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ» - باید محبوبترین امور نزد تو میانه ترینش در حق باشد» (ابن حیون، 1385، ج 1، ص 355)

امیرمؤمنان در نامه‌ای به عمرو بن سلمه ارحبی، استاندار خویش در فارس یادآور می‌شوند اعتدال، در مورد غیر مسلمانان نیز قابل اجرا است و حاکم اسلامی، باید به همه افراد تحت حاکمیت خویش، به یک چشم نگاه کند و اعتدال داشته باشد: «قَالَتُمْ لَهُمْ جَلَبَابًا مِنَ اللَّيْلِ تَشْوِيهِ يَطْرَفٍ مِنَ الشَّدَّةِ، وَدَاوُلٌ لَهُمْ بَيْنَ الْقَسْوَةِ وَالرَّأْفَةِ، وَامْرُجٌ لَهُمْ بَيْنَ التَّقْرِيبِ وَالْإِدْنَاءِ، وَالْإِبْعَادِ وَالْإِقْصَاءِ» (نامه 19)

همان‌طور که بیان شد، نتیجه رعایت اعتدال رسیدن به حق است، اما نادیده گرفتن اعتدال و انحراف از آن، موجب منحرف و منصرف شدن از حق می‌گردد که گمراهی، تباهی، پشتیبانی به بار خواهد آورد و موجب ندامت، ضلالت و... می‌شود. همانگونه که امیرمؤمنان به محمد حنفیه فرمودند: «مَنْ تَرَكَ الْقَصْدَ جَارَ - کسی که میانه روی را ترک کند از راه حق منحرف می‌شود» (سیدرضی، 1414؛ 404)

نمونه بارز نتیجه‌گیری در اعتدال، این کلام امیرمؤمنان است: «عَلَيْكَ بِالْقَصْدِ فِي الْأُمُورِ فَمَنْ عَدَلَ عَنِ الْقَصْدِ جَارٌ وَمَنْ أَحْدَى بِهِ عَدَلَ - در کارها میانه رو باش، که هر کس میانه روی را ترک کند، ستم خواهد کرد و هر کس میانه روی پیشه کند، به عدالت رفتار خواهد کرد.» (لیثی واسطی، 1376؛ 335)

آنکه اعتدال و میانه‌روی ندارد، نتیجه‌ای جز افراط و تفریط عائد او نخواهد شد و بدین سبب موجب دوری از حق می‌گردد. امیرمؤمنان حتی در توصیف خویش، اعتدال را شرط دوستی و دشمنی نسبت به خود معرفی نموده‌اند: «سَيَهْلِكُ فِيَّ صِنْفَانِ: مُحِبُّ مُفْرِطٍ يَذْهَبُ بِهِ الْحُبُّ إِلَى غَيْرِ الْحَقِّ، وَ مُبْغِضُ مُفْرِطٍ يَذْهَبُ بِهِ الْبُغْضُ إِلَى غَيْرِ الْحَقِّ، وَ خَيْرُ النَّاسِ فِيَّ حَالًا التَّمُطُ الْأَوْسَطُ قَالَرْمُوهُ - بزودی درباره من دو گروه هلاک شوند: دوستدار افراطی که دوستی، او را به ناحق کشاند و دشمن افراطی که دشمنی، او را به ناحق ببرد. و بهترین حالت مردم درباره من راه میانه است. پس این راه را در پیش گیرید» (سیدرضی، 1414؛ 31) یا در فرمایشی مشابه نیز نقل شده است: «هَلَكُ فِيَّ رَجُلَانِ؛ مُحِبُّ غَالٍ، وَ مُبْغِضُ قَالٍ - دو کس درباره من هلاک شده‌اند: دوست غلوکننده و دشمن کینه توز» (همان، 489)

محبت و دوستی با اولیاء الهی که دستور و سفارش قرآن کریم و اهل بیت است، نباید به افراط و تفریط ختم شود. افراط که در دوستی به غلو و الوهیت آنان ختم؛ و تفریط که باعث بغض و دشمنی با آنان می‌شود که هر دو صنف، طبق فرمایش امیرمؤمنان هلاک شده‌اند: «يَهْلِكُ فِيَّ رَجُلَانِ؛ مُحِبُّ مُفْرِطٍ، وَ بَاهِتٌ مُفْتَرٍ - دو کس در مورد من هلاک خواهند شد: دوستی که در حق من افراط و غلو می‌کند و دشمنی که بهتان می‌زند و افترا می‌بندد» (همان، 558)

دوری کردن از افراط و تفریط و گزیدن میانه‌روی، از مسائل مهم در هدایت مردم و اداره کردن امور است. تا حدی که در دیدگاه امیرمؤمنان، اعتدال مسیر حق و هدایت است و کتاب خدا و سنت پیامبر به آن توصیه نموده است. امور دین بر میانه‌روی و اعتدال استوار است و طبعاً باید جامعه اسلامی و اخلاقی، معتدل و به دور از افراط و تفریط

باشد که در غیر این صورت، راهبری مردم به صورت صحیح امکان‌پذیر نیست. همانگونه که در این خطبه از امیرمؤمنان می‌خوانیم: «أَلَا وَ إِنَّ شَرَّائِعِ الدِّينِ وَاحِدَةٌ وَ سُبُلُهُ قَاصِدَةٌ مَنْ أَخَذَ بِهَا لَحِقَ وَ عَنِمَ وَ مَنْ وَقَفَ عَنْهَا ضَلَّ وَ تَدِمَ- بدانید که شرایع دین یکنواخت است و راه‌هایش مستقیم، هر که در این راه‌ها قدم گذاشت [به هدف] رسید و سود برد و هر که از پیمودن آنها باز ایستاد، گمراه و پشیمان شد» (همان، 176)

پرهیز از افراط و تفریط و گزینش اعتدال، یکی از مسائل اساسی در اداره امور و هدایت مردم است. هر چه که در اداره امور از اعتدال و میانه‌روی دور شود، انحراف، نابسامانی، ستم و کجی در نظام مدیریتی پدیدار می‌شود تا حدی که ممکن است دچار سقوط گردد. دور شدن از اعتدال، نتیجه‌ای جز ستم و بیداد ندارد و زمامداران می‌بایست برنامه خود را بر مبنای اعتدال قرار دهند تا منجر به رعایت عدالت و هدایت مردم شود. از نتایج دوری از اعتدال و برگزیدن تفریط، پشیمانی است: «تَمَرَةُ التَّفْرِيطِ اللَّذَامَةُ» (همان، 502)

علاوه بر پای بندی امیرمؤمنان به اعتدال، کارگزاران خویش را به میانه‌روی دعوت می‌نمودند و خواهان دوری از افراط و تفریط بودند. در عهدنامه‌ای که امیرمؤمنان به مالک اشتر نوشتند، فرمودند: «وَلْيَكُنْ أَحَبُّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ - باید محبوب ترین کارها نزد تو اموری باشد که در جهت رعایت حق از همه کامل تر است» (همان، 429)

بهترین روش در اداره امور، اعتدال و میانه‌روی است که این امر، بر همگان واضح و مبرهن می‌باشد. در هر جایی که افراط یا تفریطی مشاهده شد، جهل و نادانی نتیجه آن می‌شود. روش انسان خردمند در همه امور میانه‌روی است و هیچ عاملی آن را از این مسیر دور نمی‌سازد؛ حتی دوستی و دشمنی بر مبنای اعتدال باید باشد، همانگونه که بدان اشاره شد. زمامدار اسلامی باید دارای اعتدال و از افراط و تفریط به دور باشد.

2-3. گام های مؤثر در اعتدال

برای اجرای صحیح اعتدال در جامعه، برداشتن گام‌هایی در اولویت می‌باشد که بدان اشاره می‌گردد:

ا. نخستین گام در اعتدال این است که باید صنف‌های گوناگون را مؤافق و هم کفو دانست. بدین گونه که دانشمندان، نظامیان، تاجران و کشاورزان با هم برابر باشند و تفاوت و فرقی بین آنها قائل نشد؛ زیرا با برتری دادن گروهی، بقیه دچار انحراف و فساد می‌شوند. همان‌گونه که در عهدنامه مالک اشتر بدان اشاره شده است: «وَ اعْلَمْ أَنَّ الرَّعِيَّةَ طَبَقَاتٌ لَا يَصْلُحُ بَعْضُهَا إِلَّا بِبَعْضٍ وَ لَا غِنَى بِبَعْضِهَا عَنْ بَعْضٍ» (همان، 431)

ب. گام بعدی، جایگاه و منزلت هر شخص را به مقدار لیاقت و شایستگی هر فرد قرار داد. بدین گونه کسانی که خیر محض هستند، باید نزدیک ترین شخص باشند و بیشترین منزلت را دارا شوند. در مرتبه بعدی، کسانی که خیریت آنها به گروه نخست نمی‌رسد که اینان نیز باید عزیز شمرده شوند. گروه دیگر، کسانی هستند که نه دارای خیر هستند و نه دارای شر؛ این گروه را باید به سمت خیر راهنمایی نمود. گروه چهارم، کسانی هستند که شرارت دارند که با

موعظه همراه با انذار، از شرارت دوری کنند. آخرین دسته، شرّ مطلق هستند که باید با راه هایی نظیر حبس، ممناعت از حضور در جامعه و در صورت عدم نتیجه این اقدامات، مجازات قتل شامل حال او شود.

ج. گام دیگر، احسان به مردم است. احسان آن است که زیاده بر مقدار شخص به آنان خیر رساند.

3- نتیجه

اعتدال در لغت به معنی رعایت نمودن حدّ وسط و میانه روی در امور می باشد. امیرمؤمنان ضمن معرفی خویش و ائمه معصومین به عنوان افرادی که اعتدال در وجود آنان متبلور است، دستور به پیروی از آنان و پیوستن به ایشان را صادر نموده اند. اعتدال برای زندگی نیکو، بهترین یاری رسان می باشد و دوری از آن سبب نکوهش و هلاکت می گردد. احسان و نیکی به مردم، رعایت اصناف مختلف و منزلت افراد گوناگون از گام های مؤثر در اعتدال به شمار می رود.

منابع

ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، 1405ق، لسان العرب، قم، نشر أدب الحوزة الفراهیدی، خلیل بن أحمد، 1410ق، العین، مؤسسه دار الهجرة، الطبعة الثانية الفیروزآبادی، أبو طاهر محمد بن یعقوب، 1426، القاموس المحيط، بیروت، مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزيع

الفیومی المقرئ، أحمد بن محمد، 1418ق، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، المكتبة العصریة، الطبعة الثانية

المصطفوی، حسن، 1368ش، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي

الهلالی، سلیم بن قیس، 1405 هـ.ق، کتاب سلیم بن قیس هلالی، قم، الهادی تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، 1410، غرر الحكم و درر الكلم، قم، دار الكتاب الإسلامي، چاپ دوم

جُرّ، خلیل، 1391، فرهنگ بزرگ لاروس، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ نوزدهم

سیدرضی، محمد بن حسین، 1414ق، نهج البلاغه، قم، هجرت

لیثی واسطی، أبوالحسن علی بن محمد، 1376 هـ.ش، عیون الحكم والمواعظ، دار الحديث، قم، چاپ اول